

سیدعبدالرحیم کاشانی؛

نماینده تهران در دوره‌های هفتم و هشتم مجلس شورای ملی

معین‌الدین محرابی

پژوهشگر

چکیده

در این مقاله تلاش شده است تا با تبیین وقایع تاریخی از طریق مراجعه به اسناد و منابع، گزارشی از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی یکی از انقلابیون مشروطه موسوم به سیدعبدالرحیم کاشانی ارائه شود. کاشانی، تاجر تمبر و کارت پستال، و از انقلابیون مشروطه بود. وی در سال ۱۳۲۵ ه.ق. با کمک عبدالحسین خان ملک‌المورخین، روزنامه‌آئینه غیب‌نما را منتشر کرد و در همین سال، انجمن فاطمیه را که از انجمن‌های مدافع مشروطیت بود، بنیان گذاشت. از آثار ماندگار وی علاوه بر روزنامه مذکور، کتابی است با عنوان مجموعه تمبرهای پست ایران که در سال ۱۳۳۲ ه.ق. / ۱۲۹۳ ه.ش. انتشار یافته و قدیمی‌ترین کتاب در شناخت تمبرهای چاپ ایران به شمار می‌آید. در جریان قدرت‌یابی رضاشاه، سیدعبدالرحیم، جانب وی را گرفت و در مجلس مؤسسان اول که در سال ۱۳۰۴ برای خلع سلطنت قاجار و استقرار سلطنت در خاندان پهلوی تشکیل یافت، یکی از منتخبان آن بود. هم‌چنین وی برای پایداری نظام پهلوی که جانب آن را گرفته بود، خود را به عنوان کاندیدای هفتمین دوره مجلس شورای ملی از تهران معرفی کرد و با حمایتی که نظمیه از طرفداران رضاشاه داشت، اگرچه نتوانست در شمار دوازده نماینده منتخب تهران قرار گیرد، ولی به آراء قابل توجهی دست‌یافت و در نهایت، با استعفای سه تن از منتخبین این دوره، در شمار نمایندگان مجلس هفتم جای گرفت. وی منتخب مجلس هشتم نیز شد ولی در همان نخستین ماه‌های تشکیل مجلس هشتم درگذشت. کاشانی اگرچه نقش مؤثری در قانون‌گذاری دوره‌های هفتم و هشتم نداشته، ولی در وقایع مشروطه، از رجال تأثیرگذار بوده است.

کلیدواژه‌ها: سیدعبدالرحیم کاشانی، عبدالحسین خان سپهر ملک‌المورخین، روزنامه آئینه غیب‌نما، مطبوعات، انجمن فاطمیه.

مقدمه

سیدعبدالرحیم کاشانی فرزند سیدمهدی (متو: ۱۲۹۰ه.ق./۱۲۵۲ه.ش. (کاشان)؛ فو: اسفند ۱۳۰۹ه.ش./ (تهران))؛ تاجر، سیاستمدار، روزنامه‌نگار و نماینده مجلس شورای ملی در دوره‌های هفتم و هشتم بود. زمان مهاجرت وی به تهران نامشخص، ولی دانسته این است که از سال ۱۳۱۶ه.ق./۱۲۷۷ه.ش. یعنی سومین سال سلطنت مظفردالدین‌شاه، در کار تجارت تمبر و کارت‌پستال بوده است.^۱

از نام همسر و فرزندان وی اطلاع دقیقی در دست نیست. جز آنکه یکی از دختران وی موسوم به طاهره در سال ۱۳۳۷ه.ق./۱۲۹۸ه.ش. به ازدواج سیدمحمود لاجوردی درآمده است.^۲ در کتاب «زندگی سیدمحمود لاجوردی» که به کوشش منوچهر فرهنگ در سال ۱۳۵۳ انتشار یافته، به چگونگی شکل‌گیری این ازدواج اشاره شده است.^۳

حاصل این ازدواج، سه فرزند با نام‌های قاسم، احمد و حبیب لاجوردی بوده که جملگی نوه‌های دختری سیدعبدالرحیم کاشانی به شمار می‌آیند. این سه تن همچون پدرشان در تاریخ تجارت ایران نقش بسزایی داشته و از مؤسسان شرکت مینو و گروه صنعتی بهشهر بوده‌اند.^۴ شایان ذکر است که قاسم لاجوردی (متو: ۱۳۰۰)، بعدها در دوره هفتم مجلس سنا به سناتوری رسید و نایب رئیس اتاق ایران در سال‌های دهه پنجاه شد.^۵

سیدمحمود لاجوردی در خاطرات خود از سیدعبدالرحیم کاشانی و چگونگی ازدواج با دختر وی چنین گزارش داده است:

مرحوم آقا سیدعبدالرحیم کاشانی تمبرفروش که یکی از آزادی‌خواهان بنام تهران در آن زمان بود، ریاست انجمن کاشانی‌های این‌جا را به عهده داشت. وی بسیار مردم‌دار و مؤدب بود... من او را دوست می‌داشتم و اتفاقاً در همسایگی خانه وی در گذر لوطی صالح باغ ایلچی ساکن بودم. مرحوم میرموسی خان دوست مرحوم پدرم در تهران بود. روزی میرموسی خان را طرف شور قرار دادم و گفتم در نظر دارم دختر آقا

۱. وی در نامه‌ای که به سال ۱۳۰۴ه.ش. به ریاست مجلس شورای ملی نوشته، یادآور شده است که: «بنده در تاریخ سنه ۱۳۱۶ه.ق.] که داخل در تجارت شخصی شدم...» نک: سند شماره ۱ همین مقاله، سطور ۶-۵.

۲. سیدمحمود لاجوردی (۱۳۶۳-۱۲۷۴ه.ش.) فرزند سیدمحمد از بطن فاطمه مرتضوی. وی بعدها از تاجران معروف و بنام شد. در سال ۱۳۳۷ه.ق./۱۲۹۸ه.ش. در حالی که ۲۵ سال داشت، دختر سیدعبدالرحیم کاشانی را به عقد ازدواج درآورد. وی در آن زمان، حجره‌دار و با دایی‌اش آقا مصطفی مرتضوی همکاری مشترک داشت. چنان‌که خود می‌گوید، با پدر زنش به جلسات حزب و روضه‌خوانی می‌رفته و با وی انس و الفت داشته است؛ نک: لاجوردی، سیدمحمود، «از خاطرات یک بازرگان»، *ایران‌شناسی* (چاپ آمریکا - مریند، وابسته به بنیاد مطالعات ایران)، سال ۵، ش: ۱۹، پاییز ۱۳۷۲؛ صص ۶۶۷-۶۶۵؛ شیرین‌کام، فریدون و ایمان فرجام‌نیا، *پیشگامان رشد* (تهران: مرکز امور فرهنگی و نشر اتاق بازرگانی، ۱۳۹۰)؛ ص ۲۹۷.

سیدمحمود از همسرش صاحب سه پسر به نام‌های قاسم، احمد و حبیب و چهار دختر به نام‌های کبری، فروغ، فخری و ایران گردید که دو تن اخیر، در خردسالی درگذشتند. (نک: شیرین‌کام، همان؛ ص ۳۰۰).

۳. گوشه‌ای از این خاطرات با عنوان «از خاطرات یک بازرگان» در: فصلنامه *ایران‌شناسی* چاپ مریند (پاییز ۱۳۷۲) به طبع رسیده است.

۴. خرده‌پا، ملیحه، «تجربه‌ای که هرگز تکرار نشد»، در: *از مجلس وکلای تجارت تا اتاق ایران* (ضمیمه ماهنامه اتاق بازرگانی)، ۱۳۹۱؛ ص ۷۵.

۵. خرده‌پا، همان.

سیدعبدالرحیم کاشانی را به زنی برگزینم ... گفت خودم می‌روم و با پدر دختر گفت‌وگو می‌کنم ... پس از گفت‌وگو توافق به عمل آمد و قرار شد فاطمه خانم همسر میرموسی خان به خواستگاری و نامزدی رسمی برود. جریان را به پدر نوشتم... آقا سیدعبدالرحیم، داماد آینده را درست به جا نیاورده بود و نمی‌دانست آیا من هستم یا آقا مصطفی مرتضوی دایی [من] ...^۱

در خصوص خصلت‌های اخلاقی سیدعبدالرحیم کاشانی باید گفت: وی را از جمله افرادی برشمرده‌اند که در راه مشروطیت تلاش نموده و انحراف و خیانتی از وی به وقوع نپیوسته است.^۲ هم‌زمان با تحرکات عمومی برای تأسیس عدالتخانه و جنبش عمومی برای برقراری مشروطیت، سیدعبدالرحیم نیز در این جرگه وارد شد؛ از جمله، در سال ۱۳۲۳ ه.ق. وقتی علاء‌الدوله حکمران تهران، یکی از تجار معتبر قند موسوم به حاج سیدهاشم قندی را به دارالحکومه برده و او را به چوب بست، بازارها به کلی بسته شد... در بازار امام‌زاده زید، دو سید هدف گلوله شده؛ به خون خود غلتیدند. سیدعبدالرحیم کاشانی که تجارت تمبر و کارت‌پستال داشت... به کمک مردم، دو جنازه را از زیر دست و پا بیرون کشیده؛ هریک را بر تختهٔ دکانی نهاده و به مسجد جامع بردند.^۳

روزنامهٔ آئینه غیب‌نما

سیدعبدالرحیم کاشانی در سال ۱۳۲۵ ه.ق. یعنی یک سال پس از برقراری مشروطیت، به مساعدت دوست و همشهری خود، عبدالحسین خان سپهر ملک‌المورخین^۴ (۱۳۱۲-۱۳۴۸ ه.ش.) اقدام به انتشار روزنامهٔ آئینه غیب‌نما کرد. این روزنامه با چاپ سنگی منتشر می‌شد. دو شمارهٔ نخست آن آئینه غیب‌نما^۵ و از شمارهٔ سوم^۶ به بعد، عنوان آن به آئینه غیب‌نما تغییر یافت. تا پانزدهمین شماره در بالای عنوان نشریه با با قلم ریز، کلمهٔ «شاهنشاهی» درج گردیده و در پایان صفحهٔ چهارم، نام ملک‌المورخین دیده می‌شود. مطابق یادداشتی از ملک‌المورخین که در شمارهٔ ۱۶ به چاپ رسیده، تمامی حق و حقوق این روزنامه از این شماره به بعد به سیدعبدالرحیم کاشانی منتقل شده است:

خدمت و کلای عظام و مشترکین کرام جریدهٔ آئینه غیب‌نما عرض می‌شود که از امروز به بعد، جریدهٔ مزبور به کلی واگذار جناب مستطاب آقای آقا سیدعبدالرحیم تاجر کاشانی مدیر جریدهٔ مزبور شد و بنده به هیچ

۱. لاجوردی، همان؛ صص ۶۶۷-۶۶۵.

۲. علوی رضوی، ابوالحسن، رجال عصر مشروطیت، به کوشش حبیب یغمایی و ایرج افشار (تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۵)؛ صص ۷۵؛ کخال‌زاده، ابوالقاسم، دیده‌ها و شنیده‌ها، به کوشش مرتضی کیوان (تهران: نشر فرهنگ، ۱۳۶۳)؛ صص ۳۲۷؛ ملک‌زاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت/ ایران، ج ۲ (تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۳)؛ صص ۲۳۹.

۳. رشدیه، شمس‌الدین، سوانح عمر (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲)؛ صص ۱۰۷.

۴. عبدالحسین خان سپهر ملک‌المورخین صاحب امتیاز شماره‌های آغازین این روزنامه، فعالیت روزنامه‌نگاری خود را با روزنامهٔ شاهنشاهی (۱۳۲۳ ه.ق.) آغاز و در ادامهٔ آن، روزنامهٔ وطن (۱۳۲۴ ه.ق.)، آئینه غیب‌نما (۱۳۲۵ ه.ق.) و آزاد (۱۳۲۷ ه.ق.) را منتشر کرد. (نک: پروین، ناصرالدین، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پاریسی‌نویسان، ج ۲ (بحران آزادی) (تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۷۹)؛ صص ۴۰۲-۴۰۳؛ صدرهاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱ (اصفهان: انتشارات کمال، ۱۳۶۳)؛ صص ۴۳-۴۲.

۵. آئینه غیب‌نما، ش: ۱، پنج‌شنبه ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵؛ ش: ۲، پنج‌شنبه ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵.

۶. آئینه غیب‌نما، ش: ۳، یکشنبه ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵.

وجه، حقی ندارم و وجوه جریده، کلیه داخل و خارج، از نمره اول الی آخر باید به جناب آقای آقا سیدعبدالرحیم برسد. **ملک المورخین**.^۱

روزنامه یادشده، در چهار صفحه و با ترتیب انتشار هفتگی و سپس دوهفتگی منتشر می‌شد. احتمالاً شماره ۳۴ که در تاریخ پنجشنبه ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ انتشار یافته، آخرین شماره و یا یکی از آخرین شماره‌های سال اول آن باشد زیرا کمتر از یک ماه بعد، در تاریخ سه‌شنبه ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ (۲ تیر ۱۲۸۷ ه.ش.)، عمارت بهارستان گلوله‌باران و امکان انتشار جراید نیز از میان رفت. هنگامی که مجلس بمباران شد، سیدعبدالرحیم کاشانی شبانه با لباس مبدل، به سفارت انگلیس رفت^۲ و چندی بعد همراه عده‌ای از آزادی‌خواهان در سفارت عثمانی متحصن شد.^۳ وی بعداً به خارج از ایران مسافرت کرد و پس از بازگشت، از رجب ۱۳۲۹ دوره دوم روزنامه را به چاپ رساند.^۴ انتشار مجدد آئینه غیب‌نما سه سال پس از تعطیلی دوره اول و طی اجازه‌نامه شماره ۱۱۸۴/۴۲۱۱ انجام گرفت؛^۵ با این توضیح که در دوره جدید، به جای دوره دوم، سال دوم قید شده است. اینکه شماره اول اول از دوره جدید در چه تاریخی منتشر شده، بر راقم این سطور معلوم نگردید. ولی دانسته این است که شانزدهمین شماره آن در تاریخ سه‌شنبه اول ذی‌قعدة ۱۳۲۹ به چاپ رسیده و آخرین شماره آن نیز معلوم نشد.

در شماره اول از سال اول آئینه غیب‌نما زیر سرلوحه نشریه، در ستونی افقی چنین نوشته شده است: این روزنامه دارای تصاویر مشاهیر عالم و حامیان مشروطه و صاحبان مآثر باقیه و مدیران جراید می‌باشد. مقالاتی [را] که باعث پیشرفت و ترقی مملکت و ناسخ آثار جهالت و خرافت باشد، مندرج می‌دارد. از این‌گونه صور و لوايح که به اداره بفرستند، با کمال امتنان پذیرفته و به موقع درج خواهد شد.^۶ این متن بارها و در شماره‌های مختلف، با اندک تغییراتی انتشار یافته است؛ از جمله در شماره ۱۳ چنین درج شده است:

این روزنامه آزاد، دارای تصاویر مشاهیر ایران و وکلای مجلس شورای ملی و مدیران جراید و حامیان مشروطه می‌باشد و کارهای زشت را که ترک آن باعث ترقی مملکت است، مجسمه نشان می‌دهد و در رأس سنه، کتابی خواهد بود دارای تصاویر اشخاص مرقوم فوق. هرکس مقالات [و] صوری [که] باعث ترقی مملکت و مفید به حال ملت و ناسخ آثار جهالت و خرافت است، به اداره بفرستد، با کمال امتنان پذیرفته، و به موقع خود درج خواهد شد ...^۷

۱. آئینه غیب‌نما، ش: ۱۶ (شنبه ۱۲ شعبان ۱۳۲۵)؛ ص ۱.

۲. کمره‌ای، سیدمحمد، *روزنامه خاطرات سیدمحمد کمره‌ای*، ج ۱، به کوشش محمدجواد مرادی‌نیا (تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۵)؛ ص ۴۱۵.

۳. علوی رضوی، همان؛ ص ۷۵.

۴. صدراشمی، همان؛ ص ۴۳.

۵. بیات، کاوه و مسعود کوهستانی نژاد، *اسناد مطبوعات (۱۳۲۰-۱۲۸۶)*، ج ۱ (تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۲)؛ ص ۸.

۶. آئینه غیب‌نما، ش: ۱؛ ص ۱.

۷. آئینه غیب‌نما، سال ۱، ش: ۱۳؛ ص ۱.

از ویژگی‌های روزنامه *آئینه غیب‌نما* آنکه مطالب آن، آمیخته‌ای از جدّ و طنز و فاقد خبر است. هم‌چنین صفحات اول آن اختصاص به تصویرهایی از رجال دارد و تمامی صفحه‌های ۲ و ۳ آکنده از نقاشی‌ها و کاریکاتورهایی است که مسائل روز را مورد توجه قرار می‌دهد؛ به عبارتی دیگر، اهمیت *آئینه غیب‌نما* در کاریکاتورهای آن است؛^۱ به قول ادوارد براون:

«*آئینه غیب‌نما* دارای کاریکاتورها و تصاویر خشنی از وطن پرستان معروف است.»^۲

انجمن فاطمیه

در منابع و اسناد از این انجمن با عناوین «انجمن فاطمیه»، «انجمن فاطمیه کاشان»، «انجمن فاطمیه سادات کاشانی»، «انجمن سادات فاطمیه»، «انجمن فاطمی»، «انجمن بنی فاطمه» و «انجمن کاشانی‌های مقیم تهران» یاد شده است. سیدعبدالرحیم کاشانی در دوره اول مجلس شورای ملی [در سال] ۱۳۲۵ ه.ق. انجمنی به نام (انجمن سادات فاطمیه) در طهران تشکیل داد و خودش در آن جا سمت ریاست داشت. در همان اوقات، روزنامه *موسوم به آئینه غیب‌نما* را دایر کرد.^۳ وی در همان سال، مقاله «رفع شبهت و دفع تهمت»^۴ را نگاشت و با امضای «انجمن فاطمیه سادات کاشانی» در روزنامه *مجلس* به چاپ رساند.

هنگامی که در تاریخ پنج‌شنبه ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ روزنامه *حبل‌المتین* چاپ تهران که به سرپرستی سیدحسن کاشانی برادر مؤیدالاسلام کاشانی^۵ انتشار می‌یافت، توقیف شد، بسیاری از جراید، چاپخانه‌ها و برخی انجمن‌ها و از جمله «انجمن فاطمیه» نسبت به این روزنامه، ابراز همدلی کردند.^۶ فعالیت‌های انجمن فاطمیه تا بدان‌جا موقفیت‌آمیز بود که آخوند خراسانی در سال ۱۳۲۶ ه.ق. ضمن یادداشتی، خواسته‌های آن را مورد تأیید قرار داد. متن این یادداشت، در روزنامه *مجلس* به چاپ رسیده است.^۷

نقش برجسته و فعال انجمن فاطمیه و ریاست سیدعبدالرحیم بر این انجمن، تا بدان پایه بود که در نخستین روزهای ماه ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ نمایندگان انجمن‌های تهران با حضور در انجمن فاطمیه، عریضه‌ای خطاب به مجلس شورای ملی نوشتند و در آن، نزدیکی ملت با محمدعلی‌شاه را خواستار شدند: از طرف انجمن‌های ملی طهران به ساحت مقدّس مجلس شورای ملی - شیدالله ارکانه - بر آن ذوات محترمه، ظاهر و هویدا است که پریشانی و انقلاب داخله و اختلال سرحدات را که در این دو ساله به اشکال مختلفه و صور متعدّده بروز و ظهور کرده، به جز منافعت و بینونت بین شخص اعلی حضرت همایونی

۱. پروین، ناصرالدین، *تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان*، ج ۲، *بحران آزادی* (تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۷۹)؛ ص ۵۲۲.
۲. براون، ادوارد او محمدعلی تربیت. *تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت*، ج ۲، ترجمه محمد عباسی (تهران: کانون معرفت، ۱۳۳۷)؛ ص ۱۸۳.
۳. نک: علوی رضوی، همان؛ ص ۷۵.
۴. *مجلس*، سال ۱، ش: ۱۱۸ (پنج‌شنبه ۸ جمادی‌الأول ۱۳۲۵)؛ صص ۴-۳.
۵. سیدجلال‌الدین حسینی کاشانی در اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه (دهم جمادی‌الثانی ۱۳۱۱) اقدام به انتشار هفته‌نامه *حبل‌المتین* در شهر کلکته هندوستان کرد. این روزنامه تا سال ۱۳۴۹ ه.ق. در کلکته منتشر می‌شد و *حبل‌المتین* (چاپ تهران) شعبه و زیرمجموعه‌ای از آن به شمار می‌آمد.
۶. *حبل‌المتین* (چاپ تهران)، سال ۱، ش: ۷۹ (پنج‌شنبه ۲۱ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵)؛ ص ۱، ستون ۱.
۷. *مجلس*، سال ۲، ش: ۹۶ (سه‌شنبه ۱۱ ربیع‌الأول ۱۳۲۶)؛ صص ۳-۲.

با ملت، هیچ علت و سببی در کار نیست ... از پیشگاه مجلس مقدس خواستاریم که به هر طریق، صلاح دانند و به هر نحو که تصویب فرمایند ... جلب توجهات قلبیه شخص مقدس پادشاه را نسبت به ملت فراهم آورند ...^۱

این عریضه در مذاکرات روز پنجشنبه ۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ توسط رئیس مجلس قرائت شد و دوازده نفر از نمایندگان هریک به ترتیب ضمن تشکر از صدور چنین عریضه‌ای، به تشریح نکات مثبت آن، به خصوص اتحاد و یگانگی میان ملت و شخص شاه پرداختند.^۲

رئیس مجلس خواستار آن شد که لایحه صادره از طرف انجمن‌ها به انضمام عریضه‌ای از طرف مجلس، همراه با یک هیئت به حضور محمدعلی شاه برده شود و در ادامه یادآور شد که چون آورنده این لایحه، انجمن فاطمیه بوده، لایحه‌ای هم از طرف این انجمن صادر و در آن، نحوه برخورد با لایحه انجمن‌ها را به مجلس واگذار کرده است.^۳

مطابق مندرجات مذاکرات مجلس، دوره اول تقنینیه، زمان مطرح شدن این عریضه در مجلس، روز پنجشنبه ۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ بوده، ولی روزنامه مجلس آن را در مذاکرات روز سه‌شنبه ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ ثبت کرده است.^۴

محمدعلی شاه طی نامه‌ای که در مذاکرات روز پنجشنبه ۱۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ قرائت شد، از عریضه انجمن‌ها ابراز تشکر و قدردانی کرد.^۵

شایان توجه آنکه برخی از مصلحان آن زمان، برای پیشگیری از تندروی‌هایی که احتمال آن از جانب بعضی انجمن‌ها می‌رفت، و برای اینکه بهانه‌ای به دست درباریان داده نشود؛ یکی دو ماه پیش از بمباران مجلس، از حاج محمدحسین رزاز (از انجمن اصناف)، و سیدعبدالرحیم کاشانی (از انجمن فاطمیه) درخواست کردند که به انجمن‌ها رفته^۶ و انجمن‌داران را به اعتدال دعوت کنند.

با این حال، انجمن فاطمیه یکی از انجمن‌هایی بود که در روزهای منتهی به بمباران مجلس، خود را برای درگیری با نیروهای دولتی آماده کرده بود. یحیی دولت‌آبادی ذیل وقایع سه‌شنبه ۲۳ جمادی‌الأول ۱۳۲۶ یعنی روز بمباران مجلس می‌گوید:

روز سه‌شنبه ۲۳ جمادی‌الأول ۱۳۲۶، پیش از طلوع آفتاب، چند دسته قزاق و سرباز ... از باغشاه برای محاصره مجلس و مسجد اسپهسالار و انجمن‌های اطراف بهارستان حرکت می‌کنند ... انجمن‌هایی که در مجلس و مسجد هستند و از آن‌ها اشخاصی شامل جنگ می‌شوند، از این قرار است: انجمن شاه‌آباد، انجمن فاطمیه، انجمن ...^۷

۱. مجلس، سال ۲، ش: ۱۲۰ (سه‌شنبه ۱۱ ربیع‌الأول ۱۳۲۶)؛ ص ۴.

۲. «مشروح مذاکرات مجلس، دوره اول تقنینیه» در: روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، به مدیریت سیدمحمد هاشمی، سال ۱۳۲۵؛ صص ۵۳۹-۵۳۸.

۳. «مشروح مذاکرات مجلس»، همان؛ ص ۵۳۹، ستون ۳.

۴. مجلس، سال ۲، ش: ۱۲۱ (چهارشنبه ۱۲ ربیع‌الأول ۱۳۲۶)؛ ص ۲، ستون ۲.

۵. «مشروح مذاکرات مجلس»، همان؛ ص ۵۵۰، ستون ۱.

۶. دولت‌آبادی، یحیی، حیات یحیی، ج ۲ (تهران: انتشارات عطار و فردوس، ۱۳۷۱)؛ ص ۲۵۸.

۷. دولت‌آبادی، همان؛ ص ۳۱۷.

سپس به چندین انجمن که اشخاصی از آنها مستعد جنگ شده‌اند، اشاره می‌شود که انجمن فاطمیه از آن جمله است:

«اشخاصی که از انجمن فاطمیه شامل جنگ می‌شوند: میرزا زین‌العابدین خان مستعان‌الملک، آقا سید محمود.^۱ اینک انجمن فاطمیه تا چه سالی فعال بوده و فعالیت‌های دیگر آن، مشتمل بر چه مواردی بوده، نیاز به تحقیق و تفحص بیشتر دارد که پرداختن به آن، مجال دیگری می‌طلبد.

تجارخانه سیدعبدالرحیم کاشانی

- تمبر

سیدعبدالرحیم کاشانی که در برخی کتاب‌ها از اشتها وی به «سید تمبری» یاد شده،^۲ طی نامه‌ای که به سال ۱۳۰۴ ه.ش. به ریاست مجلس شورای ملی نوشته، به این نکته اشاره کرده که کار تجارت تمبر و کارت‌پستال فروشی در تهران را از سال ۱۳۱۶ ه.ق. (۱۲۷۷ ه.ش.) یعنی سومین سال سلطنت مظفردالدین‌شاه شروع کرده است.^۳

شمس‌الدین رشدیه در اشاره به وی می‌نویسد:

سیدعبدالرحیم کاشانی که تجارت تمبر و کارت‌پستال داشت، حجره‌اش بازار امامزاده، هفت دکان به دور امامزاده مانده از طرف بازار کفاش‌ها [بود].^۴

علوی رضوی نیز می‌گوید:

شغل ایشان تمبرفروشی و ارسال تمبرهای کهنه به فرنگستان بود.^۵

محمدعلی جمال‌زاده نیز در یکی از نامه‌های خود ضمن بیان مطلبی درباره روزنامه روح‌القدس از سیدعبدالرحیم چنین یاد کرده است:

«اما روزنامه آئینه غیب‌نما ... خوب به خاطر دارم که مدیرش سیدعبدالرحیم کاشی، مردی بود معمم که در بازار خیاط‌ها و درست روبه‌روی در امامزاده حمزه و در پهلوی سرای امیر، مغازه تمبرفروشی داشت و از مشروطه‌طلبان صادق بود و در هر شماره از روزنامه‌اش که در چند صفحه بود، در صفحه اول، تصویر یکی از رجال مشروطیت را می‌آورد؛ در یکی از شماره‌ها تصویر سیدجمال‌الدین واعظ اصفهانی را داشت و بعدها که اعتباری پیدا کرد، مغازه خود را در خیابان ناصریه زیر عمارت شمس‌العماره در جوار کتابفروشی مرحوم سیدعبدالرحیم خلخالی برد.»^۶

۱. دولت‌آبادی، همان؛ ص ۳۱۸.

۲. شجعی، زهرا، نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانون‌گذاری: مطالعه از نظر جامعه‌شناسی سیاسی، با مقدمه شاپور راسخ (تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۴)؛ ص ۳۵۴؛ مرسلوند، حسن، زندگی‌نامه رجال و مشاهیر ایران، ج ۵ (تهران: انتشارات الهام، ۱۳۷۶)؛ ص ۲۲۹.

۳. نک: سند شماره ۱ همین مقاله.

۴. رشدیه، شمس‌الدین، سوانح عمر (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲)؛ ص ۱۰۷.

۵. علوی رضوی، همان؛ ص ۷۵.

۶. اشاره محمدعلی جمال‌زاده به شماره چهارم از سال اول روزنامه آئینه غیب‌نما است که در تاریخ پنج‌شنبه اول جمادی‌الأول ۱۳۲۵ منتشر شده و روی جلد آن، مزین به عکس سیدجمال واعظ پدر محمدعلی جمال‌زاده بوده است.

۷. جمال‌زاده، محمدعلی، «روزنامه روح‌القدس»، آینده، سال ۶، ش: ۱-۲، فروردین - اردیبهشت ۱۳۵۹؛ صص ۱۴۶-۱۴۵.

پشتکار در تجارت تمبر و اطلاع از تمبرهای چاپ ایران و خارج، سیدعبدالرحیم کاشانی را بر آن داشت تا بخشی از دانسته‌های خود را در کتابی موسوم به مجموعه تمبرهای پست ایران ارائه دهد. این اثر قدیمی‌ترین کتاب در شناخت تمبرهای چاپ ایران به شمار می‌رود. هفت صفحه نخست کتاب به زبان فارسی و در معرفی تمبرهای ایران و چگونگی خرید آن است. مطالب بعدی، به دو زبان فارسی و فرانسه تدوین شده و تمبرهای معرفی شده در آن، متعلق به سال‌های ۱۲۸۶ تا ۱۳۳۲ ه.ق. است.^۱

- کارت پستال

آشنایی ایرانیان با کارت پستال، از اواسط قرن سیزدهم قمری آغاز شد و آن، زمانی بود که ایرانیان به فرنگ رفته و برای دوستان و نزدیکان خود کارت پستال می‌فرستادند. اگرچه کارت پستال‌های مورد استفاده در ایران عموماً چاپ آلمان، اتریش، فرانسه، سوئیس و برخی دیگر از کشورهای اروپایی بود، ولی بعدها و از اواخر عهد قاجار، برخی از تاجران ایرانی، اقدام به انتشار آن در ایران کردند که آقا سیدعبدالرحیم کاشانی نیز از زمره ایشان به شمار می‌آید.

شایان ذکر آنکه در دوره استبداد صغیر، محصلین ایرانی شهر لوزان در سوئیس، کارت پستال‌هایی از کشت و کشتارهای انجام شده توسط محمدعلی‌شاه و به دار آویختن مشروطه‌خواهان به چاپ رسانده و مخفیانه به ایران می‌فرستادند. سیدعبدالرحیم کاشانی نیز همین کار را در برلین انجام می‌داد و پس از چاپ کارت پستال‌های رنگی از فجایع مستبدین، آن‌ها را به ایران فرستاده و منتشر می‌ساخت.^۲ می‌توان گفت، بخشی از کارت پستال‌های آن دوره، نوعی مستندسازی ژورنالیستی بوده است.

- اجناس تجارتخانه کاشانی در سال‌های ۱۳۰۸-۱۳۰۴ ه.ش.

بخشی از تبلیغات مندرج در سمت چپ سربرگ تجارتخانه کاشانی چنین بوده است: لوازم‌التحریر، نقاشی، تمبرهای ایران و خارج، کلکسیون تمبر؛ کتاب تمبر، کارت پستال‌های مصور ایرانی و خارجی.^۳ قابل توجه آنکه، تجارتخانه کاشانی در برخی از مطبوعات نیز تبلیغات داشت.^۴

تلاش و ممارست در کار تجارت، سیدعبدالرحیم را در شمار تاجران شناخته شده ایران درآورد.^۵ وقتی مرتضی‌قلی صنیع‌الدوله اولین رئیس مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۴ بهمن ۱۲۸۹، در چهارراه مخبرالدوله هدف گلوله یک نفر گرجی از اتباع روس و دو هم‌دست وی قرار گرفت و به قتل رسید، بیش از ۶۰ نفر از تجار و از جمله سیدعبدالرحیم کاشانی طی نامه‌ای (به تاریخ ۶ صفر ۱۳۲۹) به مجلس شورای ملی، این عمل را محکوم کردند.^۶

۱. کاشانی، سیدعبدالرحیم، مجموعه تمبرهای پست ایران (طهران: مطبعه کلیمیان، ۱۳۳۲ ه.ق./۱۲۹۲ ه.ش.)؛ تعداد صفحات: ۷+۶۰ ص.

۲. مروارید، یونس، از مشروطه تا جمهوری؛ نگاهی به ادوار مجلس قانون‌گذاری در دوران مشروطیت، ج ۱ (تهران: نشر اوحدی، ۱۳۷۷)؛ ص ۱۸۰.

۳. نک: سند شماره ۱ همین مقاله.

۴. نک: مجله اوراق تجارت، سال ۱، ش: ۱، آبان ۱۳۰۸؛ ص ۵۲.

۵. یوسفی‌نیا، راضیه، اسناد تجاری ادوار اول تا پنجم شورای ملی (۱۳۰۴-۱۲۸۵) (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸)؛ ص ۴۳۹.

۶. همان؛ ص ۱۶۷-۱۶۶.

سیدعبدالرحیم در فرنگ

در برخی منابع به این نکته اشاره شده که سیدعبدالرحیم کاشانی پس از بمباران مجلس، به خارج از ایران رفته^۱ ولی اشاره‌ای به کشور مقصد نشده است. با این حال در رساله‌ای با عنوان مطوّل «واحدة بواحدة و البادی اظلم؛ ضدی ضربتی ضربتی نوش کن» که در ربیع‌الأول ۱۳۲۸ قمری در پاریس انتشار یافته، اسامی ده‌ها نفر که پیش از انتشار این رساله به پاریس آمد و شد داشته‌اند، ثبت شده که سیدعبدالرحیم کاشانی از آن جمله است و نشان می‌دهد که وی پس از بمباران مجلس به پاریس رفته است.^۲ احتمال می‌رود که وی برای چاپ کارت‌پستال‌های رنگی از فجایع قاجار، در سال‌های بعد به برلین نیز رفته باشد.

سیدعبدالرحیم و کمیته ملی

در محرم سال ۱۳۳۴ که عده‌ای از آزادی‌خواهان از تهران خارج شدند، سیدعبدالرحیم کاشانی نیز آنان را همراهی کرد و در قم از طرف کمیته ملی، مأمور کاشان گردید. در نتیجه در ۱۵ صفر ۱۳۳۴ همراه با شماری از مهاجرین به کاشان و از آنجا به اصفهان رفت و در موقع حرکت مهاجرین به قصرشیرین، از اصفهان به تهران بازگشت.^۳

عضویت در حزب دموکرات

سیدعبدالرحیم کاشانی پس از بازگشایی مجدد مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۸ ه.ق. و تأسیس فرقه دموکرات، خود را جزو این فرقه معرفی نمود.^۴ با بروز انقلاب بلشویکی در روسیه و روی کار آمدن لنین، دولت انقلابی روسیه در ربیع‌الأول ۱۳۳۶ (دی ۱۲۹۶) نماینده‌ای با نام مسیو براوین به تهران اعزام کرد. براوین در مجمع حزب دموکرات حاضر شد و در حضور ۱۵۰۰ نفر از اعضای حزب سخنرانی کرد. خطیب‌الملک مدیر مجمع و صمصام‌السلطنه بختیاری و سیدعبدالرحیم کاشانی، رابط کمیته، از طرف کمیته حزب دموکرات برای پذیرایی خصوصی سفیر مزبور تعیین شده بودند.

همراهی با رضاشاه

سیدعبدالرحیم کاشانی همچون بخشی از انقلابیون دوران مشروطه که در جریان قدرت‌یابی رضاشاه، جانب وی را گرفتند؛ خود را در کنار وی قرار داد و در این راه تا بدانجا پیش رفت، که در دیدار با یکی از علمای وقت موسوم به خالصی‌زاده، او را ترغیب به ملاقات با رضاشاه کرد.^۵ هم‌چنین در تاریخ ۲۶ شهریور

۱. صدرهاشمی، همان؛ ص ۴۳.

۲. افشار، ایرج، [معرفی رساله واحدة بواحدة و البادی اظلم]، آئینده، سال ۷، ش: ۵، مرداد ۱۳۶۰؛ ص ۳۸۷.

۳. علوی رضوی، همان؛ ص ۷۵.

۴. همان؛ ص ۷۵.

۵. سلمانی رحیمی، امیر (ترجمه)، «برشی از خاطرات آیت‌الله خالصی‌زاده؛ روند فروپاشی جمهوری رضاخان»، مطالعات تاریخی، ش:

۱۶، بهار ۱۳۸۶؛ ص ۱۱۵.

۱۳۰۷ همزمان با کناره‌گیری مستوفی‌الممالک از نمایندگی دوره هفتم مجلس و هموار شدن راه برای ورود سیدعبدالرحیم به مجلس، وی همراه با چند تن از بلندپایگان وقت، به ملاقات رضاشاه رفت، و چون در این ملاقات، تلاش اهل بازار در تعقیب توصیه البسه را مورد مذاکره قرار داد، از طرف رضاشاه مورد تمسخر قرار گرفت.^۱

سیدعبدالرحیم کاشانی در اولین مجلس مؤسسان

برای تغییر قانون اساسی مشروطه، شرط اصلی آن بود که مجلس مؤسسان تشکیل شود تا از آن طریق بتوان تغییرات را تصویب نمود. بدین منظور در دوران پهلوی، سه بار مجلس مؤسسان تشکیل گردید. نخستین مجلس مؤسسان در سال ۱۳۰۴ برای خلع سلطنت قاجار و استقرار سلطنت در خاندان پهلوی، دومین مجلس مؤسسان در سال ۱۳۲۸ برای اعطای حق انحلال مجلسین به شاه و سومین مجلس مؤسسان در سال ۱۳۴۶ برای اعطای مقام نیابت سلطنت به مادر ولیعهد (فرح) تشکیل شد.^۲

در یکی از آخرین ماه‌های مجلس پنجم که در تاریخ ۹ آبان ۱۳۰۴ برگزار گردید، در حالی که تعداد حاضران مجلس، ۸۵ نفر بود، ماده واحده‌ای به تصویب رسید که ۸۰ نفر از حاضران به آن رأی موافق دادند. مطابق آن، سلسله قاجاریه، منقرض و حکومت به طور موقت و در حدود قانون اساسی به رضاخان پهلوی واگذار گردید.

ماده واحده: مجلس شورای ملی به نام سعادت ملت، انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام نموده و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی به شخص رضاخان پهلوی واگذار می‌نماید. تعیین تکلیف حکومت قطعی، موکول به نظر مجلس مؤسسان است که برای تغییر مواد ۳۶، ۳۷، ۳۸ و ۴۰ متمم قانون اساسی تشکیل می‌شود.

یک ماه پس از تصویب ماده واحده یاد شده، مجلس مؤسسان اول در روز یکشنبه ۱۵ آذر ۱۳۰۴ توسط رضاخان افتتاح شد. منتخبین این دوره مجلس مؤسسان ۲۶۰ نفر از سراسر کشور بودند^۳ که یکی از آنان، سیدعبدالرحیم کاشانی بود.^۴

مجلس مؤسسان اول، پس از تشکیل پنج جلسه و تصویب سه اصل ۳۶، ۳۷ و ۳۸ متمم قانون اساسی،^۵ اساسی،^۵ در روز یکشنبه ۲۲ آذر ۱۳۰۴ به کار خود خاتمه داد.

۱. فرمانفرمیان، محمدولی میرزا، *از روزگار رفته*، ج ۲: حکایت مجلس شورای ملی، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و بهمن فرمان (تهران: کتاب سیامک، ۱۳۸۲)؛ ص ۲۷۱.

۲. الموتی، مصطفی، *ایران در عصر پهلوی*، ج ۳: *بازیگران سیاسی از مشروطیت تا سال ۵۷* (لندن: چاپخانه پکا، ۱۳۶۸)؛ ص ۴۲۶.

۳. الموتی، همان؛ ص ۴۲۷.

۴. همان؛ ص ۴۲۹.

۵. سه اصل متمم قانون اساسی که در مجلس مؤسسان اول تصویب شد، چنین است:

- اصل سی و ششم: سلطنت مشروطه ایران از طرف ملت به وسیله مجلس مؤسسان به شخص اعلی حضرت شاهنشاه رضاشاه پهلوی تفویض شده و در اعقاب ذکور ایشان نسل بعد نسل برقرار خواهد بود.

- اصل سی و هفتم: ولایت عهد با پسر بزرگتر شاهنشاه، ایرانی‌الاصل خواهد بود. در صورتی که پادشاه، اولاد ذکور نداشته باشد، تعیین ولیعهد بر حسب پیشنهاد شاه و تصویب مجلس شورای ملی به عمل خواهد آمد؛ مشروط بر آنکه ولیعهد از خانواده قاجار نباشد. ولی در هر موقعی که پسر برای پادشاه به وجود آید، حقاً ولایت عهد با او خواهد بود.

دو ماه پس از پایان مجلس مؤسسان اول، پنجمین دوره مجلس شورای ملی نیز در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۰۴ به پایان رسید و پنج ماه بعد، در تاریخ ۱۹ تیر ۱۳۰۵ هنگامی که رضاشاه بر اریکه قدرت نشسته بود، مجلس ششم منعقد گردید. انتخابات تهران برای مجلس ششم در کابینه محمدعلی فروغی شروع شد و در تاریخ ۵ تیر ۱۳۰۵ خاتمه یافت و علی‌رغم دخالت دولت در امر انتخابات تهران، بیش از نیمی از منتخبین از مخالفین دولت بودند.^۱

نمایندگی سیدعبدالرحیم کاشانی در مجلس شورای ملی (دوره‌های هفتم و هشتم)^۲

اینکه سیدعبدالرحیم از چه زمانی مایل به قرار گرفتن در جرگه نمایندگان مجلس شده، به درستی معلوم نیست. اما چنانکه راپورت‌های پلیس مخفی درست باشد و احتمال شایعه و دروغ در آن راه نداشته باشد، باید گفت که اولین اقدام وی، تلاش برای نمایندگی در مجلس چهارم بوده است.

در کتاب *راپورت‌های پلیس مخفی*، ضمن راپورت‌های تاریخ ۲۳ برج سرطان (تیر) ۱۳۳۵ ه.ق. / شبه ۲۳ تیر ۱۲۹۶ ه.ش. / ۲۴ رمضان ۱۳۳۵ ه.ق. آمده است:

به موجب کاغذی که ماشاءالله‌خان کاشی برای مدیر روزنامه شهاب ثاقب نوشته و کسب تکلیف نموده، کاملاً می‌رساند که آقا سیدعبدالرحیم کاشی، کاغذی برای ماشاءالله‌خان نوشته است که من با خیالات شما همراهی دارم؛ برای اینکه بهتر بتوانم موافق میل و آرزوی شما کار بکنم، اسباب انتخاب شدن مرا برای وکالت پارلمان فراهم نمایم.^۳

ابوالقاسم کخال‌زاده منشی سفارت آلمان در ایران می‌نویسد:

ماشاءالله‌خان نمی‌دانم به مناسبت کاشی بودن و یا به جهت دیگری، با این سید مربوط شده و آقای سیدعبدالرحیم در تهران برای ماشاءالله‌خان دوندگی می‌کرد و در نزد امنای دولت، چه ملیون مثل مصمام‌السلطنه، و چه غیرملیون مثل وثوق‌الدوله و عین‌الدوله و غیره، بر له ماشاءالله‌خان اقداماتی می‌کرد.^۴

و این ماشاءالله‌خان و پدرش نایب‌حسین کاشی، هردو از یاغیان و اشرار کاشان بودند که کاروان‌های بین جاده قم و اصفهان را به چپاول می‌بردند.

غیر از آنچه گفته شد، سند دیگری که از میل سیدعبدالرحیم برای ورود به مجلس چهارم حکایت داشته باشد، در دست نیست. هم‌چنین معلوم نیست که آیا وی برای نمایندگی دوره‌های پنجم و ششم نیز اقدامی کرده است یا خیر.

چنان‌که پیشتر نیز گفته شد، انتخابات مجلس ششم با دخالت دولت انجام گرفت و در دوره هفتم، این دخالت بیش از گذشته افزونی یافت. به‌گونه‌ای که در انتخابات هفتم، منتخبین غیردولتی، اقلیتی معدود را

۱- اصل سی و هشتم: در موقع انتقال سلطنت، ولیعهد می‌تواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال شمسی باشد. اگر به این سن نرسیده باشد، نایب‌السلطنه‌ای غیر از خانواده قاجار از طرف مجلس شورای ملی انتخاب خواهد شد.

۱. مروارید، همان؛ ج ۲، ص ۵.

۲. شجعی، همان؛ ص ۳۵۴.

۳. مستشارالدوله صادق، *خاطرات و اسناد مستشارالدوله صادق*، مجموعه سوم: *راپورت‌های پلیس مخفی از شایعات شهری*، به کوشش ایرج افشار (تهران: انتشارات طلايه، ۱۳۶۷)؛ ص ۱۰۴.

۴. کخال‌زاده، همان؛ ص ۳۲۷.

تشکیل می‌دادند که برجسته‌ترین آنان فرّخی یزدی نماینده یزد (مدیر روزنامه طوفان) و محمودرضا طلوعی نماینده لنگرود و لاهیجان بودند.

یحیی دولت‌آبادی در خصوص انتخابات مجلس هفتم می‌نویسد:

نمایندگان مجلس هفتم به بعد بدون استثنا اول باید رضایت دربار پهلوی را تحصیل کنند و شنیده می‌شود که هر یک مبلغ معینی هم در خفا باید به وزیر دربار بدهند و شرط معین را هم که رأی دادن به هر لایحه‌ای که از طرف دولت بیاید به مجلس، بدون اعتراض تقبل کنند؛ آن‌گاه نام آن‌ها داخل فهرست نمایندگان در آن دوره شده؛ با تعیین آنکه از چه محل انتخاب شوند و آن فهرست به دست نظمی مرکز و ولایات داده شده، آن‌ها هم تکلیفشان معین است و همه چیز در دست خودشان و کارکنان مخصوصی است که دارند. نظمی‌ها در موقع انتخابات، دارالتحریری تشکیل داده، هزارها اوراق مطابق فهرست دولت، نویسانده حاضر می‌گذارند و آن‌ها را به توسط سردسته‌ها به افراد می‌دهند که در صندوق انتخابات بریزند؛ در این صورت، نتیجه، قطعی است که مطابق دستور دولت انتخاب شده است و گاهی اهل محل به هیچ وجه نمایندگان و یا نماینده خود را نمی‌شناسند بلکه شاید اسمش را هم نمی‌دانند.^۱

تقلبات گسترده و افزونی دخالت دولت در امر انتخابات تا بدان پایه بود که سیدحسن مدرس با داشتن بالاترین رأی در دوره ششم، از صندوق‌های انتخاباتی دوره هفتم حتی یک رأی هم به نام او بیرون نیامد و مدرس در این باره گفته بود، اگر بپذیریم که مردم به من رأی نداده باشند، لااقل بگویید آن یک رأی من کجاست؟!

در اردیبهشت ۱۳۰۷ که فرمان انتخابات مجلس هفتم صادر شد، سیدعبدالرحیم کاشانی نیز خود را از حوزه انتخابیه تهران که ۱۲ نماینده می‌طلبید، نامزد کرد و رتبه چهاردهم را به دست آورد و از ورود به مجلس بازماند. ولی با کناره‌گیری سه نفر از منتخبین این دوره، یعنی مؤتمن‌الملک نفر ششم و مستوفی‌الممالک نفر هشتم و مشیرالدوله نفر نهم،^۲ امکان حضور کسانی که در رأی‌گیری، رتبه‌های ۱۳ تا ۱۵ را به دست آورده بودند، فراهم گردید. کناره‌گیری افراد یادشده از نمایندگی مجلس، موجب گردید تا سیدعبدالرحیم به جای میرزا حسن‌خان مستوفی‌الممالک (۱۲۹۱هـ.ق. / ۱۳۱۱هـ.ش.) به مجلس راه یابد. وی پیش از افتتاح مجلس هفتم با رضاشاه دیدار کرد.

در جلسه دوم از مجلس هفتم که در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۰۷ برگزار گردید، به چگونگی انتخاب سیدعبدالرحیم برای نمایندگی مجلس هفتم این‌گونه پرداخته شده است:

از شعبه پنجم: جریان انتخابات طهران و توابع، به قراری است که در تحت راپورت نمرة ۲ به عرض مجلس مقدس رسیده است. در نتیجه، آقای میرزا حسن‌خان مستوفی، حائز اکثریت بوده و چون از قبول نمایندگی، معذرت خواسته و استعفا داده‌اند، آقای آقا سیدعبدالرحیم کاشانی که در درجه ۱۴ با داشتن ۲۳۴۶۷ رأی، حائز اکثریت بوده‌اند، انجمن نظارت مرکزی موافق ماده ۵۱ قانون انتخابات به جای آقای میرزا حسن‌خان مستوفی، معین و اعتبارنامه به نام آقا سیدعبدالرحیم کاشانی صادر می‌نماید. شعبه هم پس از رسیدگی صحت انتخاب، ایشان را به نمایندگی دوره هفتم تقنینیه مجلس شورای ملی، تصدیق و خبر آن را تقدیم می‌دارد.

۱. دولت‌آبادی، همان؛ ج ۴، ص ۴۰۴.

۲. مروارید، همان؛ ص ۶۰.

رئیس: رأی می‌گیریم به نمایندگی آقای آقا سیدعبدالرحیم کاشانی از طهران؛ موافقین قیام فرمایند.
(اغلب نمایندگان قیام نمودند) رئیس: تصویب شد.^۱

سیدعبدالرحیم با همهٔ جسارت و شهامتی که در دوران مشروطه‌خواهی از خود بروز داد، در مجلس هفتم به آن‌چنان انفعالی کشیده شده بود که جز قیام و قعود و تأیید بدون چون و چرای لوایح و قوانین مصوّب مجلس هفتم چیزی برای گفتن از خود برجای نگذارد.

انتخابات دورهٔ هشتم مجلس به روال مجلس هفتم با دخالت دولت در امر انتخابات و تعیین نمایندگان از پیش تعیین شده، انجام شد و سیدعبدالرحیم به عنوان یکی از کاندیداهای مورد حمایت دولت معرفی گردید. در این دوره، از نمایندگان منتقد دولت خبری نبود.

سیدعبدالرحیم در انتخابات مجلس هشتم که در مرداد ۱۳۰۹ انجام گرفت، با کسب ۳۰۸۰۹ رأی از مجموع ۴۰۵۵۱ رأی مجدداً به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد^۲ و در جلسهٔ دوم از مجلس هشتم که در تاریخ ۲۵ دی ۱۳۰۹ برگزار گردید، دربارهٔ صحت انتخاب وی چنین قرائت شد:

تصویب اعتبارنامهٔ آقای کاشانی

(خبر شعبهٔ ۵) - دوسیهٔ انتخابات تهران تحت شور و مذاقه قرار گرفته؛ نتیجه به قراری است که به عرض می‌رسد. در تاریخ یازدهم مرداد ۱۳۰۹ انجمن نظار بر طبق قانون انتخابات تشکیل و از تاریخ ۳۰ مرداد لغایت ۲۰ شهریور ۱۳۰۹ در انجمن اصلی و حوزه‌های فرعی، تعرفه توزیع و اخذ آراء شده است. در نتیجه از ۴۰۵۵۱ آراء مأخوذه پس از استخراج آقای آقا سیدعبدالرحیم کاشانی به اکثریت ۳۰۸۰۹ رأی به نمایندگی دورهٔ ۸ تقنینیه انتخاب شده‌اند و چون در دوسیه شکایتی نبود و در این مدت هم به مجلس شکایتی نرسیده است، شعبهٔ ۵ به اتفاق آراء، نمایندگی آقای کاشانی را تصویب و خبر آن را تقدیم می‌دارد.

رئیس: موافقین با صحت انتخاب آقای کاشانی قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند) تصویب شد.^۳

درگذشت سیدعبدالرحیم کاشانی

سیدعبدالرحیم کاشانی چند ماه پس از تشکیل مجلس هشتم، در اوایل اسفند ۱۳۰۹ دار فانی را وداع گفت و عدل‌الملک دادگر رئیس مجلس، در دوازدهمین جلسهٔ این دوره که در تاریخ یکشنبه ۱۰ اسفند ۱۳۰۹ برگزار گردید، با اشاره به درگذشت وی چنین اظهار داشت:

با نهایت اندوه و تأسف باید به استحضار آقایان برسانم که یکی از رفقای شایسته و نجیب ما از جرگهٔ ما خارج شد؛ آقای آقا سیدعبدالرحیم کاشانی به وضعی که همهٔ آقایان استحضار دارید. مرد عفیفی بود که با سعی و عمل زندگانی می‌کرد. به مشروطه و آزادی، خدمات ممتد و دائمی داشت. همیشه با دسترنج خودش حیات می‌کرد. گویا منحصرأ در دورهٔ اخیر خدمتش بوده است که مختصر حقوقی دریافت نموده و

۱. مشروح مذاکرات مجلس، دورهٔ هفتم تقنینیه، جلسهٔ ۲ (دوشنبه ۱۴ آبان ۱۳۰۷)؛ هم‌چنین نک: فرهنگ قهرمانی، عطاءالله، اسامی نمایندگان مجلس شورای ملی از آغاز مشروطیت تا دورهٔ ۲۴ قانون‌گذاری و نمایندگان مجلس سنا در هفت دورهٔ تقنینیه (تهران: انتشارات مجلس، ۱۳۵۶)؛ ص ۸۵.

۲. نظری، منوچهر، رجال پارلمانی ایران از مشروطه تا انقلاب (تهران: انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۹۰)؛ ص ۶۷۷؛ قهرمانی، همان؛ ص ۹۹.

۳. مشروح مذاکرات مجلس، دورهٔ هشتم، جلسهٔ ۲ (پنجشنبه ۲۵ دی ۱۳۰۹).

الاً سایر اوقات با عمل و مجاهدت زیست می‌نمود. اندازه تأثر از فقدان یک چنین رفیق عفیفی، مستور و مخفی نیست. از خدا می‌خواهم که روح او را غریق رحمت کند و به او پاداش‌های مناسب با مکارم اخلاقی مرحمت بکند و به احترام خدمات آن مرحوم و در تأثیر این واقعه مؤلمه، مجلس را ختم می‌کنیم. رئیس شورای ملی: دادگر.^۱

سیدعبدالرحیم کاشانی اگرچه یکی از انقلابیون مشروطه بود و توانست با انتشار نشریه غیب‌نما، اهتمام شیایان توجهی در رسیدن به اهداف مشروطه‌طلبان داشته باشد؛ ولی در دوره نمایندگی، فردی آرام و مطیع بود. با مطالعه مذاکرات مجلس هفتم و هشتم درمی‌یابیم که در هیچ یک از جلسات مجلس، نطق و یا سخنی ایراد نکرده است. وی در دوره نمایندگی جز غیبت‌های مکرر که احتمالاً ناشی از بیماری وی بوده و جز تأیید کردن مواد قانونی در حال تصویب، کار دیگری انجام نداده است. در اسناد و منابع مورد مطالعه درباره سیدعبدالرحیم کاشانی، نکته‌ای مبتنی بر اهمیت حضور وی در مجلس دیده نمی‌شود و تصویر روشنی نیز از نقش وی در قانون‌گذاری دوره‌های هفتم و هشتم وجود ندارد.

آثار سید عبدالرحیم

از آثار برجای مانده از سیدعبدالرحیم کاشانی، علاوه بر روزنامه آئینه غیب‌نما و کتاب مجموعه تمبرهای پست ایران و برخی کارت‌پستال‌ها، می‌توان از سه مقاله وی که در روزنامه مجلس به چاپ رسیده، یاد نمود: «رفع شبهت و دفع تهمت»^۲؛ «مکتوب از کاشان»^۳ و «قابل توجه وزیر پست»^۴. هم‌چنین از وی سفرنامه کوتاهی با عنوان «سرزمین بختیاری» برجای مانده که فصل سوم کتاب «تاریخ بختیاری (خلاصه الاعصار فی تاریخ بختیاری)» را به خود اختصاص داده است.^۵ در ابتدای این سفرنامه آمده است:

... نگارنده عبدالرحیم کاشانی که در سنه ۱۳۲۳ هـ. ق. / ۱۹۰۵ م. از راه اصفهان به اهواز رفته و خط طولی از میانه ممالک بختیاری در مدت پنجاه روز طی نموده، خالی از مناسبت نمی‌داند که فی الجمله شرحی از آن را ذکر نماید. در ۲۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۳ / دسامبر ۱۹۰۵ م. که در وسط زمستان بود، از اصفهان به اهواز، از راه بختیاری با قافله قاطردار که تنباکو برای شرکت رژی اسلامبول ...^۶ یک اثر ماندگار دیگر، عکسی است که وی و همراهانش را غرق در سلاح نشان می‌دهد. این عکس در کتاب تاریخ مشروطه ایران^۷ به چاپ رسیده و کسروی در زیر آن نوشته:

سیدعبدالرحیم کاشانی، رئیس انجمن بنی‌فاطمه که با بچه‌ها و بستگان خود تفنگ به دوش پیکره برداشته.

۱. همان، جلسه ۱۲ (یکشنبه ۱۰ اسفند ۱۳۰۹).

۲. مجلس، سال ۱، ش: ۱۱۸ (پنج‌شنبه ۸ جمادی‌الأول ۱۳۲۵)؛ ص ۳-۴.

۳. همان، سال ۳، ش: ۲۵ (یکشنبه ۳ رمضان ۱۳۲۷)؛ ص ۳، ستون ۴.

۴. همان، سال ۴، ش: ۸ (یکشنبه ۶ رمضان ۱۳۲۸)؛ ص ۳-۴.

۵. سرداراسعد، علی‌قلی‌خان؛ عبدالحسین لسان‌السلطنه سپهر ملک‌المورخین [و دیگران]، تاریخ بختیاری (خلاصه الاعصار فی تاریخ بختیاری)، به اهتمام جمشید کیا نفر (تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۶)؛ صص ۸۵-۶۹. این کتاب، حاصل تلاش ۱۴ نفر است که سیدعبدالرحیم یکی از آنان است.

۶. سردار اسعد؛ همان، ص ۶۹.

۷. کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران (تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۴)؛ ص ۳۸۳.

اما خود عکس هم نوشته‌ای دارد که چنین است:

آقا سید عبدالرحیم کاشانی، مدیر انجمن فاطمیه و مدیر روزنامه غیب‌نما، ۱۵ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶.
این تاریخ برابر است با دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۲۸۷، یعنی یک هفته پیش از بمباران مجلس.

[سند ۱]

[نامه‌ای به خط سید عبدالرحیم کاشانی]^۱

[سربرگ] تجارتخانه کاشانی (سید عبدالرحیم)؛ طهران، خیابان ناصریه، نمره ۱۰۱

بتاریخ ۱۴ شهر ربیع‌الثانی ۱۳۴۴ [برابر با یکشنبه ۱۰ آبان ۱۳۰۴]

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی - دام اجلاله‌العالی

فدایت شوم. البته حضرت مستطاب عالی از همه بهتر میدانید که مجری اوامر و قوانین مجلس شورای ملی، اول خود مجلس باید باشد که سایرین هم اطاعت کرده؛ مجری بدارند. قانون مجلس [...] برای این بوده که اساس مردم اشتباه نشود. مراسلات تلگرافات هرکس بدست خودش برسد. اگر در مجلس یا جایی حرفی میزند یا موجب تنفر یا توجه مردم میشود، به شخص گوینده متوجه شود، ولی متأسفانه، اول در مجلس شورای ملی و بعد در ادارت دولتی و جراید رعایت این نکته نمی‌شود. بنده در تاریخ سنه ۱۳۱۶ که داخل در تجارت شخصی شدم، مطابق تلگرافات و اسناد، آدرس تلگرافی بنده کاشانی بوده تا موقع سجل احوال در ۱۶ برج قوس ۱۲۹۷ در ناحیه هشت بازار مطابق تصدیق اداره سجل احوال که نگاه و ملاحظه میفرمائید، نام فامیل خود را کاشانی گذاشته و اعلام هم کردم؛ اولاً در مجلس مقدس در خلاصه مذاکرات اسم آقای آقامیرزا سیدحسن را کاشانی می‌نویسید که موقوف به امر جنابعالی است که بعدها اسم مصطفوی که اسم فامیل معظم‌البه است، بنویسند. ثانی حاجی مرتضی کاشانی اسم تجارتخانه خود را کاشانی گذاشته و مراسلات او به اسم تجارتخانه کاشانی است. و در تلگرافخانه هم آدرس تلگرافی خود را کاشانی گذاشته و مکرر تلگراف به اسم کاشانی رسیده که برای بنده بوده؛ به ایشان داده‌اند و بتلگرافخانه رجوع شده؛ اظهار داشته‌اند که او سالی سه تومان برای آدرس خودش میدهد. جواب دادم خودم سه تومان را میدهم. باز هم اظهارات بنده را محل توجه قرار نداده و آدرس تلگرافی را که کاشانی مطلق است، به او میدهند. استدعا دارم برای شرافت قوانین مجلس شورای ملی و اجرای او، دو کلمه از طرف هیئت رئیسه یعنی خود حضرت عالی به تلگرافخانه مرقوم فرمائید که مکاتب قانونی آدرس تلگرافی کاشانی مختص به فلان کس است. امید است از بذل این مرحمت، مضایقه نفرمائید. [امضا:]

سید عبدالرحیم کاشانی.

۱. مرکز اسناد مجلس، (شماره بازیابی: ۵/۹۷/۹/۱/۳۶).

کتابنامه

- الموتی، مصطفی، ایران در عصر پهلوی، ج ۳: بازیگران سیاسی از مشروطیت تا سال ۵۷ (لندن: چاپخانه پکا، ۱۳۶۸).
- براون، ادوارد او محمدعلی تربیت، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ج ۲، ترجمه محمد عباسی (تهران: کانون معرفت، ۱۳۳۷).
- بیات، کاوه و مسعود کوهستانی‌نژاد، اسناد مطبوعات (۱۳۲۰-۱۲۸۶)، ج ۱ (تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۲).
- پروین، ناصرالدین، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان، ج ۲، بحران آزادی (تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۷۹).
- دولت‌آبادی، یحیی، حیات یحیی، ج ۲ (تهران: انتشارات عطار و فردوس، ۱۳۷۱).
- رشدیه، شمس‌الدین، سوانح عمر (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲).
- سرداراسعد، علی‌قلی خان؛ عبدالحسین لسان‌السلطنه سپهر ملک‌المورخین [و دیگران]، تاریخ بختیاری (خلاصه‌الاعصار فی تاریخ بختیاری)، به اهتمام جمشید کیانفر (تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۶).
- شجیعی، زهرا، نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانون‌گذاری: مطالعه از نظر جامعه‌شناسی سیاسی، با مقدمه شاپور راسخ (تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۴).
- شیرین‌کام، فریدون و ایمان فرجام‌نیا، پیشگامان رشد (تهران: مرکز امور فرهنگی و نشر اتاق بازرگانی، ۱۳۹۰).
- صدرهاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱ (اصفهان: انتشارات کمال، ۱۳۶۳).
- علوی رضوی، ابوالحسن، رجال عصر مشروطیت، به کوشش حبیب یغمایی و ایرج افشار (تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۵).
- فرمانفرمائی‌ان، محمدرولی میرزا، از روزگار رفته، ج ۲: حکایت مجلس شورای ملی، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و بهمن فرمان (تهران: کتاب سیامک، ۱۳۸۲).
- فرهنگ قهرمانی، عطاءالله، اسامی نمایندگان مجلس شورای ملی از آغاز مشروطیت تا دوره ۲۴ قانون‌گذاری و نمایندگان مجلس سنا در هفت دوره تقنینیه (تهران: انتشارات مجلس، ۱۳۵۶).
- کاشانی، سیدعبدالرحیم، مجموعه تمبرهای پست ایران (تهران: مطبعة کلیمیان، ۱۳۳۲ ه.ق/۱۲۹۲ ه.ش).
- کخال‌زاده، ابوالقاسم، دیده‌ها و شنیده‌ها، به کوشش مرتضی کیوان (تهران: نشر فرهنگ، ۱۳۶۳).
- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران (تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۴).
- کمره‌ای، سیدمحمد، روزنامه‌خاطرات سیدمحمد کمره‌ای، ج ۱، به کوشش محمدجواد مرادی‌نیا (تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۵).
- مرسلوند، حسن، زندگی‌نامه رجال و مشاهیر ایران، ج ۵ (تهران: انتشارات الهام، ۱۳۷۶).
- مروارید، یونس، از مشروطه تا جمهوری؛ نگاهی به ادوار مجالس قانون‌گذاری در دوران مشروطیت، ج ۱ (تهران: نشر اوحدی، ۱۳۷۷).
- مستشارالدوله صادق، خاطرات و اسناد مستشارالدوله صادق، مجموعه سوم: راپورت‌های پلیس مخفی از شایعات شهری، به کوشش ایرج افشار (تهران: انتشارات طلایه، ۱۳۶۷).
- ملک‌زاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۲ (تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۳).
- نظری، منوچهر، رجال پارلمانی ایران از مشروطه تا انقلاب (تهران: انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۹۰).
- یوسفی‌نیا، راضیه، اسناد تجاری ادوار اول تا پنجم شورای ملی (۱۳۰۴-۱۲۸۵) (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸).

اسناد و مطبوعات

آرشیو اسناد مجلس شورای اسلامی.

آئینه عیب‌نما، ش: ۱ (پنج‌شنبه ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵)؛ ش: ۲ (پنج‌شنبه ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵).

_____، ش: ۱؛ ص ۱.

آئینه عیب‌نما، ش: ۱۳؛ ص ۱.

_____، ش: ۱۶ (شنبه ۱۲ شعبان ۱۳۲۵)؛ ص ۱.

_____، ش: ۳ (یکشنبه ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵).

اتاق تجارت، سال ۱، ش: ۱، آبان ۱۳۰۸؛ ص ۵۲.

- افشار، ایرج، [«معرفی رساله واحده بواحدة و الیادی اظلم»]، آینده، سال ۷، ش: ۵، مرداد ۱۳۶۰؛ ص ۳۸۷.
- جمال‌زاده، محمدعلی، «روزنامه روح‌القدس»، آینده (سال ۶، ش: ۱-۲، فروردین - اردیبهشت ۱۳۵۹)؛ صص ۱۴۶-۱۴۵.
- حبل‌المتین (چاپ تهران)، سال ۱، ش: ۷۹ (پنج‌شنبه ۲۱ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵)؛ ص ۱، ستون ۱.
- خرده‌پا، ملیحه، «تجربه‌ای که هرگز تکرار نشد»، از مجلس وکلای تجار اتاق ایران (ضمیمه ماهنامه اتاق بازرگانی)، ۱۳۹۱؛ ص ۷۵.
- روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، به مدیریت سیدمحمد هاشمی، سال ۱۳۲۵.
- سلمانی رحیمی، امیر (ترجمه)، «برشی از خاطرات آیت‌الله خالصی‌زاده؛ روند فروپاشی جمهوری رضاخان»، مطالعات تاریخی، ش: ۱۶، بهار ۱۳۸۶؛ ص ۱۱۵.
- لاجوردی، سیدمحمد، «از خاطرات یک بازرگان»، ایران‌شناسی (چاپ آمریکا - مرلند، وابسته به بنیاد مطالعات ایران)، سال ۵، ش: ۱۹، پاییز ۱۳۷۲؛ صص ۶۶۷-۶۶۵.
- مجلس، سال ۱، ش: ۱۱۸ (پنج‌شنبه ۸ جمادی‌الأول ۱۳۲۵).
- _____، سال ۲، ش: ۱۲۰ (سه‌شنبه ۱۱ ربیع‌الأول ۱۳۲۶).
- _____، سال ۲، ش: ۹۶ (سه‌شنبه ۱۱ ربیع‌الأول ۱۳۲۶).
- _____، سال ۲، ش: ۱۲۱ (چهارشنبه ۱۲ ربیع‌الأول ۱۳۲۶).
- _____، سال ۳، ش: ۲۵ (یکشنبه ۳ رمضان ۱۳۲۷).
- _____، سال ۴، ش: ۸ (یکشنبه ۶ رمضان ۱۳۲۸).
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی.



شماره سی و نهم

میراداره روزنامه آئینه غیب نامه
 طراز سالی
 تقابست بر اثر تیرا حاکمان
 مزاران کبرانی سینه مبارک کاشانی
 طراز



آئینه غیب

روزنامه آئینه غیب نامه
 طراز سالی
 تقابست بر اثر تیرا حاکمان
 مزاران کبرانی سینه مبارک کاشانی
 طراز

روزنامه آئینه غیب نامه

میراداره روزنامه آئینه غیب نامه
 طراز سالی
 تقابست بر اثر تیرا حاکمان
 مزاران کبرانی سینه مبارک کاشانی
 طراز



میراداره روزنامه آئینه غیب نامه
 طراز سالی
 تقابست بر اثر تیرا حاکمان
 مزاران کبرانی سینه مبارک کاشانی
 طراز

روزنامه آئینه غیب نامه

میراداره روزنامه آئینه غیب نامه
 طراز سالی
 تقابست بر اثر تیرا حاکمان
 مزاران کبرانی سینه مبارک کاشانی
 طراز



میراداره روزنامه آئینه غیب نامه
 طراز سالی
 تقابست بر اثر تیرا حاکمان
 مزاران کبرانی سینه مبارک کاشانی
 طراز

روزنامه آئینه غیب نامه

رتال جامع علوم انسانی

روزنامه آئینه غیب نامه



پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
رتال جامع علوم انسانی